

راهکارهای مناظره و گفت و گو

تحقیقات دانشمندان غیر ایرانی درباره علوم اسلامی

دکتر مهدی محقق - بخش سوم و پایانی

ترکی، عربی، عبری، فارسی و... را در بر می‌گیرد.

۲. مؤسسه‌ای ویژه این کاردایر می‌گردد. کشورهایمانند فرانسه وانگلستان که اهداف استعماری داشتند، و درباره همه چیز مشرق زمین می‌خواستند آگاهی بدست آورند، به مطالعات گسترده در این زمینه دست یازیدند. دانشگاه لندن مؤسسه‌ای به نام «مدرسه شرق شناسی و آفریقاشناسی» تأیید کرد. که در آن زبانها و لهجه‌های مختلف کشورهای آفریقایی (زبان سواحلی، زبان زنگبار)، و دیگر مسائل مربوط به این جوامع آموخته می‌شد. مدرسه شرق شناسی دارای دیپارتمانهای چینی، ژاپنی، افغان شناسی، ایران شناسی و عرب شناسی بود، استادها ممتاز و زبده در آنها فعالیت داشتند. گاه درباره بعضی از مسائل کشورهای اسلامی چنان بررسیها به دقت صورت گرفته‌است که برای اندیشمندان خود این کشورها تازگی دارد. به عنوان مثال در دانشگاه لندن خانم «لندن» به جزئیات مسائل کشاورزی ایران آگاه بود، در آثارالمعارف اسلامی مقاله‌ای تحت عنوان «کاریز» - درباره تکنیک حفر قناتها - و مقاله‌ای درباره تقسیم آب زاینده رود، نوشته است. مطالعات او در کتابی به نام «تاریخ مالک و زارع در ایران» گردآوری شده است، که ترجمه آن چاپ دوم نیز گردیده است.^۲

در دانشگاههای انگلستان (آکسفورد کمبریج...) هم اکنون نیز تحقیقات اسلامی جریان دارد، ولی به شدت و وسعت گذشته نیست. در بیشتر شهرهای آنلیس دیپارتمان اسلام شناسی دارد. دکتر «رامیار» رساله دکتری خود را با عنوان «تاریخ قرآن» در دانشگاه ادینبرو گرفته است. «مونتگمری وات» استاد دانشگاه ادینبرو و یک کشیش است. کتابهایی با عنوان «محمد در مکه» «محمد در مدینه» نوشته است که جنبه‌های تاریخی و قرآنی دارد،^۳ و در سالیان اخیر درباره کلام اسلامی تحقیق کرده است

وضعی دارد، اخوان المسلمین چه می‌گویند، در الجزایر چه می‌گذرد و...

این چهار گرایش در کناریکدیگر فعالیت دارند. و فارغ التحصیل دانشگاه، اسلام شناسی است که به مسائل مختلف آگاهی دارد.

در مالزی تحقیقات و بررسیهای اسلامی در سه شعبه صورت می‌گیرد:

۱. تفکر و اندیشه اسلامی (فلسفه، منطق، کلام، عرفان نظری)

۲. علوم اسلامی (ریاضیات، نجوم، هنر و معماری، موسیقی اسلامی)

۳. تمدن اسلامی (مظاهر شهرنشینی، کیفیت ساختمانها و نهادها - نهاد اوتش، دادگستری، پست و...)

مراکز تحقیقات اسلامی

مراکز تحقیقات اسلامی در غرب دو گونه است:

۱. بخشی از دانشگاه این امر را به عهده دارد. و به بررسی اسلام یا شرق می‌پردازد، که در صورت اخیر (خاورشناسی) شامل هر چیزی است که به شرق مربوط می‌شود، و زبانهای



فرهنگ اسلامی و میراث گرانبهای دانشمندان اسلامی ایران، توسط دانشوران ایرانی کمتر شناسایی گردیده است و بی‌اعتنایی‌های بسیار به خود دیده است.^۱ در این زمینه بعضی از اندیشمندان غربی و عالمان جهان اسلامی گوی سبقت رارپوده‌اند، به ارزش این ذخایر بی‌مانند پی برده‌اند، و با بررسی‌های دقیق و فراوان آثار ارزشمندی را ارائه داده‌اند. در بحث زیر سعی بر آن است که منظور از علوم اسلامی در این تحقیقات روشن گردد و بعضی از این نهادها و مؤسسات و مراکز علمی - تحقیقی و اشخاصی که در این زمینه کار کرده‌اند، شناسانده شود.

قلمرو علوم اسلامی

در نگاه مراکز اسلام شناسی دنیا، مراد از اسلام و علوم اسلامی معنای عام آن است، و شامل همه علوم می‌شود. که در پرتو حاکمیت اسلام شکل گرفته‌اند، و تمدن اسلامی را پدید آورده‌اند. در این بین هر آنچه در پیشینه فرهنگ اسلامی وجود دارد جزو علوم اسلامی به حساب می‌آید و شایان تحقیق و بررسی است. علوم عقلی و شرعی، آثار باستانی، شیوه احداث قنات در کشورهای اسلامی، معماری مساجد، طلاکاری کتابها، ساخت ابزار رصد، دارو شناسی و پزشکی، ادبیات و عرفان و... همه علوم اسلامی هستند.

در کانادا گرایش اسلام شناسی چهار شاخه دارد:

۱. اندیشه اسلامی (فلسفه، کلام، منطق...)

۲. نهادها و نهادهای اجتماعی می‌پردازد.

۳. تاریخ اسلام - شامل تاریخ عمومی کشورهای اسلامی در دوره‌های مختلف (دوره فاطمیان مصر،... موحدون اندلس و...)

۴. اسلام در عصر جدید - آگاهی‌های گوناگون درباره مسلمانان همانند این مسایل که: چرا پاکستان از هند جدا گردید، مصر چه

و کتاب نوشته است.

پروفسور «آربری» (Arberry) در زمینه تصوف اسلامی و تاریخ آن بررسی‌هایی انجام داده است، و درباره شمس تبریزی کتاب و مقاله دارد که بعضی از آنها به فارسی ترجمه شده است.

در کمبریج، پروفسور «ادوارد برلون» پیش از آن که در ایران تاریخ ادبیات نوشته شود، تاریخ ادبیات نوشت که در ۴ جلد به فارسی ترجمه شده است. و از آنجا که رشته‌اش پزشکی بوده است تاریخ طب اسلامی را نیز نوشته است. کتاب «یک سال در میان ایرانیان»^۴ از لوست. در فرانسه، بعضی از مؤسسات در زبان شناسی کار می‌کنند. پروفسور «ژیلبر لازار» ۲ جلد کتاب تحت عنوان «قدیم‌ترین شعر فارسی» نوشته است. «ماسینیون» درباره حلاج کتاب نوشته است کسانی مانند «هانری کرین» به فلسفه قرون متأخر و فلسفه تشیع توجه کرده‌اند. وی با همکاری استاد آشتیانی ۴ جلد کتاب در این زمینه به چاپ رساند، و بسیاری از متفکران ایرانی و شیعی را که برای ایرانیان مجهول بود - مانند ملا رجعی تبریزی، ملا صادق اردستانی، علوی املی و... شناساند. کتاب «منتخب آثار حکمای الهی ایران» به تشویق لوست. از آنجا که توجه به اسماعیلیه داشت. کتاب «جامع الحکمتین» (ناصر خسرو) را چاپ کرد، «شرح قصیده ابوالهثیم» را به چاپ رساند. توجه به روز بهان بقلی شیرازی داشت، کتاب «شطحیات» او را چاپ کرد. کتاب «الانسان الکامل» را به چاپ رساند. کرین به جز کتابهایی که به زبان فرانسه نوشته است در مدت کوتاهی که در ایران رفت و آمد داشت، بیش از ۲۵ جلد کتاب در خود ایران به چاپ رساند. با علامه طباطبایی مراد و ارتباط داشت، و مذاکراتش در مجلات همان زمان به چاپ رسید.

پروفسور «برنارد لوئیس» بهترین استاد تاریخ اسلام در انگلستان بوده است. بیشتر استاد‌های

اسلام شناس قاهره و عراق شاگردان او بوده‌اند. هم اکنون «عبدالعزیز دوری» که از بهترین استاد‌های اسلام شناسی عراق است و در اردن بسر می‌برد، شاگرد پروفسور برنارد لوئیس بوده است. کتاب‌های بقراط که به عربی ترجمه شده است در کمبریج، و کتاب‌های جالینوس در آکسفورد چاپ شده است.

شرق شناسان آلمانی

در آلمان نیز علوم اسلامی - پزشکی، داروشناسی، نجوم، ریاضیات... مورد توجه بوده است. کتاب «فی المرض الذی یسمى دیابتا» که اثر یک دانشمند اسلامی است و درباره مرض قند نوشته شده است، در «هامبورگ» چاپ شد و به زبان آلمانی و ایتالیایی ترجمه گردید. پزشک، مخصوص صلاح‌الدین ایوبی برای اصلاح علم پزشکی، کتابی به نام «المقاله الصلاحیه فی اصلاح صناعه الطیبیه» نوشته است، که در شهر «بیس بادن» آلمان به چاپ رسید.

در سالیان اخیر «فواد سزگین» - دانشمند مسلمان ترک - با سرمایه عرب، ها مؤسسه‌ای در شهر فرانکفورت تأسیس کرده است که تاکنون ۳۰۰ جلد کتاب در علوم عربی به چاپ رسانده است.^۵

چاپ کتابها بیشتر به صورت «فست» است، همراه با مقدمه‌ای که به زبان آلمانی بر آنها نوشته می‌شود. این مؤسسه مجله‌ای درباره تاریخ علوم منتشر می‌کند، و به معرفی ریاضی دانان، منجمان، و طبیبان اسلامی می‌پردازد. «گلدزیه» از مستشرقان بسیار قوی است، و دانشنامه اطلاعات علمی به حساب می‌آید. «نولدکه» در قرآن شناسی ممتاز است. خانم «آن ماری شیمل» مولوی شناس بزرگی است.^۶

در هر شهر آلمان مجله تاریخ علوم مرکز دارد. در شهر «توبینگن» (Tubingen) پروفسور «لوملن» در تاریخ طب تحقیق می‌کند.

و کتاب او با عنوان «تاریخ طب اسلامی» به عربی ترجمه شده است. پروفسور «دیت ریش» در یکی از شهرها درباره تاریخ علوم مشغول تحقیق و بررسی است. پروفسور «برتولد اشپولر» در هامبورگ در زمینه دوره‌های نخستین تاریخ اسلام و دوره مغول تخصص داشت، کتاب او را مرحوم دکتر عبدالجواد فلاطوری با عنوان «نخستین ادوار تاریخ اسلام» به فارسی ترجمه کرده است.

«روسکا» Ruska و «جرج سارتن»^۷ نیز از کسانی هستند که در تاریخ علوم تخصص دارند.

بعضی از دانشگاه‌های آلمان در مسائل فلسفی به تحقیق پرداخته‌اند، تز دکتری «پینس (Pines)» - دانشمند یهودی - به نام «مذهب الذرة عند المسلمین و علاقتها بمذاهب اليونان والهند»^۸ به عربی ترجمه شده است.

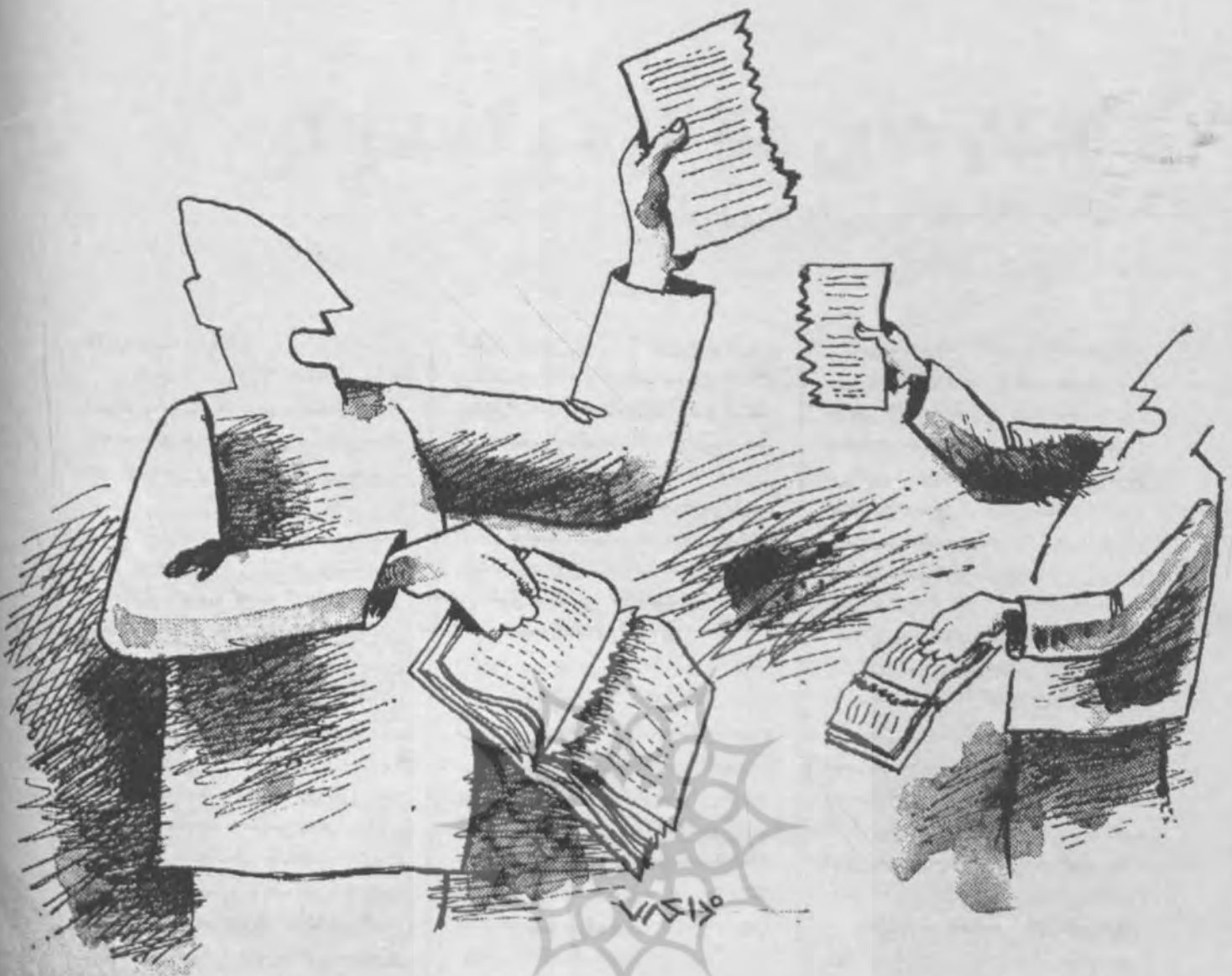
تحقیقات اسلامی در کشورهای

دیگر

به جز انگلیس، فرانسه و آلمان، در دیگر کشورهای اندیشمندان ادیان مختلف و متفکران بررسی‌هایی درباره تمدن اسلامی انجام داده‌اند: کتاب «اکسیر اعظم» (جاوید حیان) در قبرس چاپ شده است. و از این می‌توان فهمید که در قبرس کسانی هستند که این کتاب را درس می‌دهند.

کتاب «النبض» (ابن رضوان) در ژنو چاپ گردیده است. و نمایانگر آن است که در آنجا آلمانی وجود دارند و متن عربی کتاب را می‌فهمند.

در اسپانیا توجه به آثار مسلمانان اسپانیا - این رشد، این صانع، این ماجد، بیشتر است. «مهد تاریخ التراث العربی» از مؤسسات مهم علوم اسلامی در دانشگاه حلب است، تاکنون بیش از ۵۰ کتاب چاپ کرده است، از جمله آنهاست: ریاضیات (شیخ بهائی)، قلنج (رازی)، ریاضیات (کرجی)، الجامع بین العلم



دارد، که به احیای طب اسلامی^{۱۴} می پردازد. در کنار این بنیاد، مؤسسه مطالعات اسلامی^{۱۵} بنیانده شده است، زیرا حکیم عبدالحمید و حکیم محمدسعید عقیده دارند که طب جسمانی و طب روحانی هر دو مورد نیاز آدمی است بنیاد همدرد با (۲-۳) هزار دانشجو به تربیت پزشک جسمانی می پردازد. و همزمان با آن در مؤسسه مطالعات اسلامی طبیبان روحانی تربیت می شوند.

- در اردن مجمعی به نام «المجمع الملکی (انجمن سلطنتی) لبحوث الحضارة الاسلامیة» وجود دارد، که این مجمع ۶۰ نفر عضو پیوسته دارد، با همه جا در ارتباط است، و هر دو سال یک بار از بهترین استادان کشورهای اسلامی^{۱۶} دعوت بعمل می آورد.

این انجمن به فعالیتهای علمی گسترده

- مؤسسه «معهد المخطوطات الغریبة» در کویت با این هدف شکل گرفت، که همه نسخه های خطی عربی را گرد آورد^{۱۷}. کتاب شناسی ماهر صلاح الدین المنجد سالها در ایران تلاش کرد تا توانست نسخه های ارزشمند موجود در ایران به آن مؤسسه ببرد. از کتابخانه ملی ایران نسخه های منحصر به فردی را گرفت، تا هر کس در آن مؤسسه کتابی را بخواهد، به آسانی به آن دست یابد.

- در هند و پاکستان دانشمندانی هستند که عربی آنها از عربی استادان اواخر قوی تر است^{۱۸}.

دکتر مختارالدین احمد رئیس دپارتمان عربی در دانشگاه اسلامی «علیگره» است، مجله ای با عنوان «المجمع العلمی العربی» چاپ می کند. بنیادی در هند و پاکستان، وجود

والعمل (جزری^{۱۹}).

- در ترکیه دانشگاه آنکارا از میز، مرمره، استانبول مراکز اسلام شناسی دارد. در دانشگاه آنکارا، استادی کتاب نورالدین صابونی را به نام «بداية المبتدی» - که درباره کلام اهل سنت و جماعت است - به چاپ رسانده است. «قلیح» نیز از اساتید دانشگاه است، و درباره متدلوژی حدیث تحقیق می کند^{۱۱}.

- در عراق یک نهضت نشر علم پدید آمده است، به چاپ متون صرف و نحو، کتابهای زمخشری و ابن هشام اقدام کرده است. و اخیراً به چاپ کتابهای فلسفی مانند: «الجدید فی الحکمة» (ابن کمونه) دست یازیده اند. دکتر مصطفی جواد، دکتر جواد علی - که کتاب «تاریخ العرب قبل الاسلام» را نوشته است - از استوانه های علمی به حساب می آیند.

پرداخته است. بهترین استاد‌های کشورهای عربی - به ویژه کشورهای که درگیرهای نظامی دارند مانند: عراق و لبنان - جذب آن شده‌اند.^{۱۷} دکتر «احسان عباس» در این مجمع فعالیت دارد و تاکنون حدود ۴۰۰ کتاب عربی به چاپ رسانده است.^{۱۸}

از کارهای ارزنده و مهم این مجمع فیش کردن مسائل مهم اسلامی است اموری چون: تعلیم و تربیت اسلامی^{۱۹}، اقتصاد اسلامی^{۲۰}، از منابع و ماخذ مختلف استخراج گردیده، و به صورت کتاب در آمده است. انجمن بر آن است یک دائرة المعارف اسلامی منتشر کند، اما هنوز عملی نگردیده است.^{۲۱}

مسأله تهاجم فرهنگی

پدیده تهاجم فرهنگی ریشه در فراموشی پیشینه فرهنگ خودی دارد. آنان که تعریف فرهنگ و فرهنگ غرب را بدانند میراث فرهنگی خود را دریابند به راحتی می‌توانند جنبه‌های مثبت فرهنگ غرب را به ذخایر فرهنگی ارزشمند خود پیوند زنند، و غوغای تهاجم فرهنگی برایشان بی‌معنا گردد. شبیخون فرهنگی جامعه‌ای را در برمی‌گیرد که سنت‌های نیک و پسندیده نیاکان خود را به فراموشی سپارند، و به مظاهر فرهنگ غرب روی آورند. پیشرفت علمی و رشد اقتصادی - اجتماعی در غرب زمانی رخ داد که آنان دستاوردهای تمدن اسلامی را با سنت‌های مطلوب گذشته خویش در آمیختند.^{۲۲} دانشگاه‌های کمبریج، آکسفورد، در واقع توسعه یافته همان کالج‌های مسیحی‌اند. همان مدارس که به تربیت کشیشان می‌پرداخت، علوم چون داروشناسی، نجوم و ریاضیات را در خود پذیرفت و به صورت دانشگاه درآمد. این مسأله در ایران با وجود قابلیت ادغام علوم در مدارس و سابقه آن، عملی نگردید. مدرسه‌ها با سنت هزارساله کنار گذاشته شدند، و ناگهان دانشگاه در شکل اروپایی‌اش جلوه گر گردید.^{۲۳} و حلقه‌ای مقفود

بین دانش جدید و فرهنگ و علوم قدیم ایجاد شد. حدیث «من مات فی طلب العلم مات شهیداً» (آن که در طلب علم بمیرد، شهید مرده است) همان گونه که بر دانشجوی فقه و حدیث صادق است، بر دانشجوی پزشکی، نجوم، ریاضیات و... نیز صادق است. اما از آن جا که دانش جدید در علوم قدیم ادغام نگردید، رنگ دیگری یافت. و آهسته آهسته این فاصله زیاد شد، تا آنجا که امروزه غربیان بیشتر از مسلمانان و ایرانیان به فرهنگ اسلامی آشنایند:

- هانری کرین در باره صیرداملا^{۲۴} مقال می‌نویسد^{۲۵} و از او به عنوان مؤسس مکتب الهی اصفهان یاد می‌کند. مواز زشهاو مزیت‌های این مکتب را بر می‌شمارد.

- ایزوتسو، برای شرح منظومه حاج ملا هادی سبزواری مقدمه می‌نویسد.^{۲۶}
- «المعجم المفهرس لالفاظ الحدیث النبوی» به وسیله یک مستشرق هلندی سامان می‌یابد.^{۲۷}

- پروفیسور «ولف» در آلمان فرهنگ بسامدی شاهنامه را تهیه کرده است (شبیبه آنچه برای کتب اربعه، و بحار الانوار و... در ایران انجام شده است)، و گفته است، حاضریم این کتاب را فردی به اسم خودش چاپ کند و اسمی از من نیاورد، تا زحمتی که کشیده شده است مورد استفاده قرار گیرد.

- «خدا و انسان در قرآن» (ترجمه احمد آرام) را ایزوتسو، نوشته است.^{۲۸}
- کتاب «الاسماء النبیاتة والمفردات العطارية» به وسیله یک مؤسسه اسلام‌شناسی در ژاپن چاپ گردیده است.

- یک دانشجوی ژاپنی کتاب «اکسیر العارفین» (ملاصدرا) را به ژاپنی و عربی ترجمه کرده است.^{۲۹}

- «مفردات الادویة» (ابن بیطار) به وسیله دانشمندان غربی ترجمه و تحقیق شده است. در این کتاب نام ۳۰۰ نوع دارو برای انواع بیماریها

آمده است که اندیشمندان اسلامی آنها را کشف کرده‌اند، و اروپائیان و یونانیان قدیم از این داروها اطلاعی نداشته‌اند.

- «المسالک والممالک» (استخری) نخست در اروپا و سپس در بیروت تجدید چاپ گردید.

- ماکس مایر هوف «Max Meyerhof» کتاب «عشرة مقالات فی العین» (حنین بن اسحاق) را چاپ کرده است.^{۳۰}

- مرکز اسلام‌شناسی دانشگاه اسپانیا کتاب تلخیصات ابن رشد را به چاپ رسانده است.

یاد کردن چند نکته

۱. باید دانست که اشرفیت هر علم به اشرفیت موضوع آن است، و بر این اساس علم توحید و خداشناسی اشرف علوم به حساب می‌آید.
۲. مسأله تزکیه پیش از تعلیم پیام علم آموزی در بینش اسلامی است.^{۳۱} جنبه معنوی و مادی این حقیقت بارها به وسیله متفکران بازگو شده است. پزشکان گفته‌اند:

«لابدان الغیر النقیة، کلاما غذوتها، از دات شرها» بدنهای ناپاک [جهاز هاضم‌های که انواع عوامل بیماری‌زا در آن وجود دارد و پر از اخلاط و مواد فاسد گشته است]، هر اندازه بیشتر تغذیه شوند، بیماری و ناسلامتی را افزونتر می‌سازند.

قلب آدمی نیز چنین است. تا از آلودگیها مصفا نگردد، نور حکمت در آن جای نمی‌گیرد.

۳. از جمله چیزهای لازم برای محققان دسترسی به منابع است،^{۳۲} و از راهکارهای اساسی در این زمینه برقراری ارتباط با مراکز فرهنگی و تحقیقاتی جهان و دانشگاه‌هاست.^{۳۳}

و گذشته از فواید علمی و دستیابی به منابع، فایده اقتصادی دارد^{۳۴} و خودنوعی تبلیغ و انتقال ستاده‌های فرهنگی است.^{۳۵} و در عین حال لازم است در حد امکان کتابخانه‌ها تقویت شوند.^{۳۶} متخصصان فعال در آنها به کارگمارده شوند، تا بتوانند باتازه‌ترین نشریه‌ها و اطلاعات

علمی جهان ارتباط برقرار کنند. و نظام کتابخانه‌ها را به گونه‌ای مناسب در آورند.

۴. امروزه در دنیا تحقیقات و بررسیهای تطبیقی مطرح است - ادیان تطبیقی، ۳۷ فلسفه مقایسه‌ای... ادبیات مقایسه‌ای ۳۸ - مرکز اسلام‌شناسی ژاپن در دانشگاه توکیو مقایسه‌ای بین تصوف اسلامی (بر اساس آثار شیخ اکبر محیی‌الدین عربی) و عرفان قدیم چینی، انجام داده است. عنوان این کتاب «مقایسه بین سوفیزم و تاویزم» است.

چند خاطره

۱. در اردن با استاد فقه دانشگاه دمشق، دکتر «وهبه‌زحیلی» آشنا شدم. وی یک دوره فقه، اصول و تفسیر دارد. روزی باهم نشستیم بودیم، به او گفتم: مکتابی به نام «الخلافت» داریم که اختلاف بین مذاهب اربعه (اهل سنت) را نوشته است. دکتر زحیلی گفت: من تا به حال نام چنین کتابی را نشنیده‌ام. من گفتم: این کتاب را برای شما می‌فرستم. این جریان گذشت، روزی آیت

بعدها کنگره‌ای در دمشق برگزار می‌شود، و دو نفر از استادان فقه دکتر «رمضان البوطی» و دکتر «زحیلی»، درباره فقه سخنرانی کرده بودند. دکتر رمضان با نظر بسیار منفی به فقه جعفری نگریسته بود، پس از وی دکتر زحیلی در سخنان خود می‌گوید: مأخذی به دستم رسیده است که نشان می‌دهد فقه جعفری عالی مرتبه است، یک دانشمند شیعی در هزار سال پیش با کمال بی‌طرفی کتابی به نام خلافت نوشته است، و در آن ثابت کرده است که اختلاف بین مذاهب چهارگانه اهل سنت، بسی زیادتر از اختلافی است که سنی با شیعه دارد.

پیداست که وقتی یک کتاب چنین اثر گذارد، شناساندن همه‌ذخایر ناب فرهنگ تشیع به جهان و اندیشمندان تأثیرات شگرف خواهد داشت. و این امر در صورتی تحقق

می‌پذیرد که رفت‌وآمدها به مراکز مختلف تحقیقی در جهان زیاد شود، و انسانها از اندوخته‌های علمی یکدیگر آگاه گردند.

۲. عبدالرحمن بدوی برای کنگره ابوریحان بیرونی به ایران آمده بود، برای تصحیح کتابی که در کتابخانه مجلس بود، می‌خواست در ایران بماند، به من گفت: پول ندارم، اگر وسیله‌اش را فراهم کنی تا یک سال در این جایمانم بسیار ممنون خواهم شد. گفتم: ما پولی نداریم، ولی اگر کتابی بدهی که مؤسسه ما چاپ کند، می‌توانیم مقداری از آن رانقد، و مقدارش را کتاب بدهیم. گفت: کتاب «افلاطون عند العرب» را با خود آورده‌ام - وی قبلاً «ارسطو عند العرب» و «افلاطون المحدثه عند العرب» را چاپ کرده بود - به او گفتم: من قید «عند العرب» را نمی‌پذیرم، چه دانشمندان بسیاری از نیشابور، سیستان و... درباره افلاطون تحقیق کرده‌اند و ملیت عربی نداشته‌اند. گفت: سری کتابهایم با همین شیوه چاپ شده‌اند. گفتم: نادرست این کار انجام گرفته است. سرانجام وی پذیرفت که اسم کتاب «افلاطون فی الاسلام» گذاشته شود، و کتاب چاپ گردید. من پنداشتم که وی به خاطر پول تغییر موضع داده است و این عنوان را پذیرفته، تا این که چاپ دوم کتاب در کویت انجام گرفت، و در آن جا نیز با همین عنوان چاپ شد.

۳. درباره همین پسوندی نادرست، بارها من درگیری داشته‌ام. چه مشاهده می‌شود نام کنگره، «کنگروه طب عربی» است، اما افراد آن رازی، خوارزمشاهی و... اند. و یا شرف‌الدین طوسی - که کتاب ریاضیاتش چاپ شده است - را ریاضی‌دان عرب می‌نامند. در کنگره‌ای عنوان «سهم زبان فارسی در تمدن اسلامی» زده شده بود، من آن را نپذیرفتم. چه ایرانیان برای احترام به قرآن و برای عام بودن زبان عربی - که از اسپانیا تا تبت را دربر می‌گرفت - بسیاری از آثار خود را به زبان عربی نگاشته‌اند. کسانی مانند: حضرت امام خمینی، آیت‌الله

خویی، آیت‌الله طباطبایی، و... به زبان عربی فقه، اصول، تفسیر و رجال نوشته‌اند، در حالی که عرب نیستند. از این رو بجاست عنوان «سهم ایرانیان در تمدن اسلامی» گذاشته شود.

البته تعصب روی قومیت را اسلام نفی کرده است. ۳۹؛ «ان اکرمکم عندالله اتقیکم» اما وقتی دیگران تعصب می‌ورزند بنا چار باید در برابر آنها ایستاد.

۴. کنگره‌ای درباره تاریخ علوم در پاریس برگزار شده بود. سخنرانی من در رابطه با «ابن هندو» بود. در آن جا گفتم: ابن هندو در هندوچان - که روستایی در قم است - به دنیا آمده است، به طبرستان رفته است و در آن جا مجلس درس داشته است. سپس به گرگان سفر کرده، و در همان جا وفات یافته است و دفن شده است. یا هیچ معیاری نمی‌توان او را دانشمند عرب دانست.

۵. در قسمت انگیزه‌های اسلام‌شناسی در غرب، بند ۴، ص ۱۲، از یک استاد عربی ذکری به میان آمده که دانشجوین خود آموختن زبان عربی را توصیه می‌کرد. دو سال پیش که به آکسفورد رفتم، کنجکاوی شدم تا روش این استاد را در تدریس عربی دریابم. دیدم وی به تدریس نظری صرف و نحو پایبند نبوده است. بلکه عربی را بر اساس روایات، ضرب المثله و کلمات قصار زبان عربی، تدریس می‌کرده است. مانند: آفة العقل الهوی؛ عز من قنع، وذل من طمع؛ من حفر بئرا لایخه وقع فیه؛ و... این جمله‌ها می‌تواند هنرمندانه در ذهن جای گیرد و با توفیقات انسان سازگارتر است. تشکیل جمله به صورت ابتدایی مشخص می‌شود و مبتدا یا فاعل و یا مضاف‌الیه بودن آن معلوم می‌گردد.

این کشیش استاد روش فراگیری عربی را از ابن‌مالک درالفیه گرفته است. ابن‌مالک قاعده‌های عربی را با مثال و در قالب هنر شعری بیان می‌کند:

مبتدا زید و عاقر خیر

آن قلت زید عاذر من اعتذر
به خوبی می‌توان دریافت که چگونه این
استاد عربی دانشگاه لیدن هلند، روش درست
تدریس عربی را از استادان آن آموخته است.
درحالی که در دانشگاه‌های ایران تنها قواعد
خشک نحو و صرف تدریس می‌شود و دانشجویان
کلاس بهره‌ای نمی‌برد، و با آن که مدرک
دکتری در ادبیات می‌گیرد، در خواندن درست
عبارات عربی ناتوان است.

بر اساس اقتباس از همین متد لوژی
اسلام است که غربیان همه کتابهای عربی
مورد نیاز خود را به زبانهای انگلیسی، آلمانی
و فرانسه ترجمه کرده‌اند.

۶. دو سال پیش،^{۴۰} یکی از دانشگاه‌های
سوئد از من دعوت کرد که در جلسه رساله
دکتری - که رساله‌اش را برایم فرستاده بودند -
شرکت کنم. این رساله به زبان انگلیسی و
درباره «تأثیر ترجمه‌های انگلیسی از شاعران
فارسی زبان در اخلاق، دین و آداب اروپائیان»
بود.^{۴۱} من به خوبی نمی‌دانستم که در آن جا چه
نقشی بر عهده دارم، خیال می‌کردم مانند ایران
باید رساله خوانده شود، و اشتباهات و کج
فهمی‌ها یادآوری گردد. البته آن‌جا کلمه‌ای
نوشته بودند که من ننشیده بودم «فاکولتی او
پوننت» معنای انگلیسی این اصطلاح مشخص
بود، چه «لوپوننت» از اوپوزیسیون به معنی
مخالف و معترض است، و «فاکولتی» به معنای
دانشکده و دانشگاه است. مقصود از این
اصطلاح راندانستم. به عنوان نماینده اعتراضیه
دانشگاه وارد آن جاشدم. در این هنگام
پروفیسوری که در آن‌جا بود، به من گفت: ما
رابخشید، در این‌جا مقداری آداب قرون
وسطایی داریم و با جاهای دیگر فرق می‌کند.
- بعدها من دریافتم که مقصود او از این
جمله سخت‌گیری زیاد بوده است - این رساله
یک استاد راهنما و یک رئیس دانشکده و یک
مسئول دیپارتمان دارد، که هیچکدام حق رأی
ندارند. ما سه نفر دیگر (یکی از دانشکده دیگر

و یکی از دانشگاه دیگر و یکی از دیپارتمان دیگر)
می‌آوریم که اگر آنها رأی دهند، رساله پذیرفته
می‌شود. به او گفتم: من چه نقشی دارم؟ گفت:
شما باید دو ساعت تمام با دانشجویان قضایی
که رساله در آن تدوین شده است بحث کنی،
تا سه نفری که حق رأی دارند دریابند این
دانشجو به واقع در جریان بحث قرار گرفته و
فضا را درک کرده است یا نه. گفتم: اشتباهات
چه می‌شود (عدم ذکر ماخذ و...)? گفت:
اینها مسأله‌ای نیست. می‌توان تذکرات را
نوشته و به او داد تا خودش اصلاح کند. مهم
این است که دانشجویان پیچانده شود و با وی
کلنجار علمی لازم بعمل آید، تا رساله ارزیابی
درست گردد.

ما در ایران کتابها را می‌خوانیم و به
برگرداندن ضمائم و ترجمه عبارات بسنده
می‌کنیم، و از این بعد که کتاب و درس مورد
نظر در کل نظام و سیستم فرهنگی و تمدنی
ما چه جایگاهی دارد، غافل هستیم - و این
نکته‌ای بس مهم است.

۷. در کادانا بودم، دانشجویان دیندار و حزب
اللهی برای ادامه تحصیل آنجا آمده بودند.
یکی از آنها می‌گفت: نخست که نزد
استاد فرنگی رفته، از من وحشت کرد - زیرا
ریش و تسبیح داشتم و در روزنامه‌های آن‌جا،
ایرانیان تروریست معرفی می‌شوند - پس از
مدتی استاد دریافت که اهل درس و مطالعه‌ام
و در پی فسق و فحشا نیستم، از این رو کلید
درخانه و کتابخانه‌اش را به من داد و گفت:
من سفری به استرالیای روم، خانه (اشپزخانه،
یخچال...،) و قفس‌هایم را در اختیار می‌گذارم
تا از آنها استفاده کنی. این دانشجویی گفت:
من باورم نمی‌شد که این استاد در این مدت
کوتاه، تا این اندازه به من محبت پیدا کند،
مرا چون فرزندش بدانند و کمکم کند.

۸. در کادانا در یک عمارت (۸-۷)
طبقه‌ای خانه گرفته بودم. قبل از انقلاب
اسلامی بود. مدیر این ساختمان یک زن بود،

و همواره از دست ایرانیان ساکن در آن‌جا
شکایت داشت، که پول اجاره را نمی‌پردازند،
شلوغ می‌کنند، تاول نمی‌دهند و... - یک پسر
تاجر حدود ۵ هزار دلار پول تلفن بدهکار بود،
و رفته بود - بعد از انقلاب من به آن عمارت
رفتم. آن زن می‌گفت: نمی‌دانم چرا این قدر
تغییر پیدا کرده‌اند، اکنون بهترین مستأجران
من، مستأجران ایرانی‌اند.

۹. استادی داشتم به نام «چارلز آدامس»،
که مدیر مؤسسه مطالعات اسلامی بود. از آن‌جا
که این مؤسسه در سال ۱۳۴۷ افتتاح شده بود،
به ایران رفت و آمد داشت. در یکی از سفرها به
او گفتم می‌شود که هزینه رفت و برگشتش از
ایران چقدر است، اومی گوید: چون به پارک
هتل می‌روم - نه هتل‌های لوکس و گران‌قیمت
- فلان مقدار پول لازم است. پول در اختیار
وی قرار می‌گیرد تا به دلخواه خرج کند. استاد
به ایران می‌آید. یکی از شاگردانش را می‌بیند
که در ایران به مدت یک سال ساکن شده
است. استاد از وضع سکونت اومی پرسد، و او
جواب می‌دهد که در خیابان خارک یک خانه
قدیمی را ماهی ۵۰۰ تومان اجاره کرده است و
اتاقهای زیادی دارد. استاد می‌گوید: اجاره یک
ماه رامن می‌پردازم و در همان خانه پیش
شاگردش به سر می‌برد. در برگشت پول اضافه
را به دانشگاه پس می‌دهد تا خرج کتابخانه
کنند.

پیداست که این رویه نوعی تقواست. یک
انسان فاسد و منحرف این رنجها را به جان
نمی‌خرد تا پول اضافه بیاید و صرف کارهای
خیر شود.

۱۰. در دانشگاه لندن درس می‌دادم. خانم
«ری بیویس» دانشجویانش (مهرداد بهار،
تفضلی...) را که نزد او زبانهای باستانی را
می‌خواندند، به همراه من که همکار او بودم،
دعوت کرد. قیافه این خانم از نظر لباس، کفش،
فرم صورت مانند روستایی‌ها است، هر کس
ببیند گمان نمی‌کند او استاد دانشگاه باشد. به

ایران که آمدم یا خیر شدم خانم بویس به ایران آمده است تا درباره زرتشتیهای یزد تحقیق کند - رشته تخصصی خانم ری بویس ایران باستان بود- برای نهار او را به منزل دعوت کردم. گفت در یکی از روستاهای یزد هستم، خانواده ام از او پرسید: آیا خودتان را با وضع زندگی آنان سازگار کرده اید؟ او گفت: برای من این مسائل اهمیتی ندارد، علم مهم است. می بینم که کودک کنار مستراح ادرار می کند، و چون خاک است، ادرار با آب مخلوط می شود، و از آن گلها به ته آفتابه می چسبند، آفتابه را در حوض فرو می برند، و از آن آب می کنند، در عین حال ظروف من را در همان حوض می شویند. ولی اهمیتی ندارد، من به دنبال هدفم هستم.

این در حالی است که هر جادرباره آداب و رسوم زرتشتیها، دانشمندان (در کنگره های مذهب شناسی) بحثی دارند، به خانم ری بویس ارجاع می دهند. و وی به عنوان یک مآخذ مطرح است. زحمات و تلاش او قابل قیاس با رنجهای طاقت فرسای دانشمندان اسلامی در قرن (۳-۴) است.

۱۱. در لندن کنگره ای با عنوان تاریخ طب برگزار شده بود، سخنرانی من درباره رازی بود. در آن جا با استادی آشنا شدم که بیشتر آشنایی با تاریخ طب اروپا داشت. مشاهده کردم که افراد درباره یک دکتر - که موزه ای نیز در آن جا به اسم او است - صحبت می کنند. استادی که با من آشنا شده بود، گفت: این دکتر قربانی جهل زمان خود شد. گفتم چگونه؟ گفت: با پزشکان زمان خود در زمینه واگیری و عدم مسری بودن بیماری سفلیس درگیری پیدا کرد. حیوانی را به سفلیس مبتلا ساخت و دمساز خود کرد، تا این که خودش به سفلیس دچار شد و مرد. و با این کار ادعای علمی خود را به اثبات رساند. ۱۲. ایزوتسو از اسلام شناسان ژاپنی است. من با همکاری وی شرح منظومه را به انگلیسی ترجمه کردیم. با ۱۵ زبان آشنایی دارد. وقتی برای ترجمه شرح منظومه به تهران آمد

به من گفت: دوست دارم اصول فقه بیاموزم، کسی را پیدا کن به من درس دهد. من از استاد گرچی خواستم هفته ای سه روز به او اصول فقه بیاموزاند. وقتی در نمایشگاه کتاب خدمت مقام معظم رهبری رسیدم، ایشان به من گفتند، ایزوتسو چرا ایران نمی آید. من کتاب خدا و انسان در قرآن او را خواندم، از بهترین کتابهایی است که به تحلیل کلمات کلیدی قرآن پرداخته است.

۱۳. روزی برای سخنرانی در یکی از دانشگاههای آزاد و بازدید از آن، راهی آن شدم. هنوز ۵ کیلومتر به دانشگاه نمانده بود، دیدم تابلویی نصب شده است، و در آن نوشته این زمین به دانشگاه آزاد تعلق دارد. زمین تا خود دانشگاه ادامه داشت. به دانشگاه که رسیدم، ضمن گفتگو دریافتم رشته فوق لیسانس در آن جا دایر است، ولی کتابخانه ندارد. و به عنوان مثال اگر دانشجو بخواهد بداند، فرخی مدح چغانیان را گفته است یا نه، به کتابهایی چون: کامل ابن اثیر، تاریخ طبری، مروج الذهب و... دسترسی ندارد. باید آنچه را استاد می گوید، در جزوه بنویسد، امتحان دهد و مدرک بگیرد. در حالی که در دانشگاههایی که من حضور داشتم، شاهد بودم دانشکده موظف بود کتابهایی را که دانشجویان لازم دارند، از هر کجای دنیا که شده فراهم کند. در دانشگاهها اکنون رسمی به نام قرض گرفتن کتاب از خارج (انتر لایگری لندن) مطرح است، و در ظرف یک هفته کتاب مورد نظر آماده می شود.

رئیس دانشکده «کلیة الشریعة پاکستان» فردی است به نام «ظفر اسحاق انصاری»^{۳۲}، زمانی که من در آن جا درس فلسفه و کلام می دادم، وی دانشجو بود، درباره فقه ابو حنیفه کار می کرد. خواهان استاد برای رفع مشکلات خود گشت. دانشگاه بلیت هواپیما برای او فراهم می کرد تا هر دو هفته یک بار به دانشگاه کلمبیا برود، پروفسور «ژوزف شاخت» (J. Shacsh) را ببیند، و مشکلات علمی خود را با او در میان

بگذارد - در حالی که در دانشگاههای ایران به این مسائل اهمیتی داده نمی شود.

۱۴. در وزارت بهداشتی در جلسه ای حاضر شدم. دیدم فردی سخنرانی می کند، وی می گوید اگر ما پزشکی را از اخبار و روایات استخراج می کردیم، به علم پزشکی غرب نیازمند نمی شدیم، من در آن جا صحبت کردم، و گفتم: علوم یونانی، پزشکی و... در زمان ائمه (ع) به ویژه امام رضا (ع)، ترجمه گردید. اگر بی فایده بود، امام در جایی تصریح می کرد که نیازی به پزشکی جالینوس و بقراط نیست، آنچه اجداد ما برای شما گفته اند کافی است. و حال آن که امام (ع) خود می گفت: ما اجدادمان برای تهذیب اخلاق آمده ایم - که اساس همه چیز است - وظیفه ما تعلیم مکانیکی، تجاری و... نیست. پیامبر خود فرموده است: «انا فیما لایوحی الی کاحدکم»، و در جای دیگر گفته است: «انتم فی امور دنیا کم اعلم».

در کتابهای طب نبی و... ذهبی و ابن قیم نوشته اند که هر گاه فردی نزد پیامبر «ص» از نوعی بیماری شکایت می کرده پیامبر «ص» کسی را به دنبال طبیب می فرستادند. روزی فردی دل درد شدید گرفته بود، و لازم بود جراحی شود - شکمش شکافته گردد - دو نفر را خدمت پیامبر آوردند، فرمودند: «من اطب منهما» (کدامیک از این دو حادتر است)، و تا وقتی مهارت یکی از این دو به اثبات نرسید، اجازه جراحی نداد.

هر مسأله جای خاص خود را دارد، و مسائل نباید با هم مخلوط شوند^{۳۳}.

۱۵. «نارلینو» یک دانشمند ایتالیایی است که کتاب «علم الفلک عند المسلمین»^{۳۴} را نوشته است. وی در قاهره درس می داده است. زمانی گروهی از شاگردانش اعتصاب می کنند که به درس او نزویند. نارلینو به آنان می گوید، شما فقط یک جلسه بیاید تا من جمله ای را برایتان بگویم، بعد اگر خواستید در درس من شرکت نکنید. شاگردان حاضر می شوند. وی

خطاب به آنها می گوید: مثل شما نسبت به من مثل فردی است که معشوقه‌ای دارد، به مناسبتی از او به خشم آمده است. می‌خواهد او را محروم کند، خود را مقطوع النسل می‌کند، تا معشوقه نتواند از او بهره ببرد. شما نیز با من لجاج کرده‌اید، و خود را دارید محروم می‌کنید.

نظیر این داستان درباره ابوالفرج ابن هندو آمده است. ابن هندو شاگرد ابوالخیر خمار است و از فیلسوفان و طبیبان به‌شمار می‌رود، در مازندران مجلس درس داشته است. عده‌ای از طلبه‌ها تصمیم می‌گیرند، به درس او نروند، وی در قصیده‌ای مجلس درس خود را توصیف می‌کند و مزایای آن را بر می‌شمارد:

مجالسی صباقل الالباب
تجلی بها عراش الآداب
و دارس فلسفة دقیقة
و دارس طبنا نحا تحقیقة
من علم سقراط ورسطالیسی
و علم بقراط و جالینوس
فلیتصل بمجلسی من اتصل
فلینفصل عن مجلسی من انفصل ۴۵
۱۶. در سال (۲۷-۱۳۲۶) طلبه مدرسه

نواب بودم، اداره‌کننده مدرسه آن زمان، حاج شیخ علی اکبر نوغانی بود. در درس اخلاق مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی ۴۶ و حاج شیخ مجتبی قزوینی شرکت می‌کردم. حاج میرزا احمد مدرس یزدی از بهترین شرح لمعه گوینان مشهور بود، و ادیب نیشابوری ممتازترین استاد درس مطول و مغنی به حساب می‌آمد. هر سال (۶۰ - ۵۰) طلبه در درس ایشان شرکت می‌کرد، به نکات ادبی و کل فضای درس مسلط بود. ۴۷ تاریخ ادبیات عرب و تاریخ اسلام را به خوبی می‌دانست. مشکلات صرفی و نحوی را که من از ادیب نیشابوری آموختم، بعدها پیش بهترین ادیبان مصر بردم، از حل آن عاجز ماندند.

۱۷. در یک کنگره بین‌المللی شرکت کرده بودم. کنارم یک مسلمان - غیر ایرانی - قرار داشت. و در طرف دیگرم یک اروپایی نشسته بود. سخنران سخنانی می‌گفت که چندان علمی نبود. مسلمانی که در کنارم قرار داشت، به خشم آمده بود، و نسبت‌های ناروا و زشت - احمق، ابله، خمار و... - به او می‌داد. اما آن اروپایی به خود اجازه نمی‌داد چنین

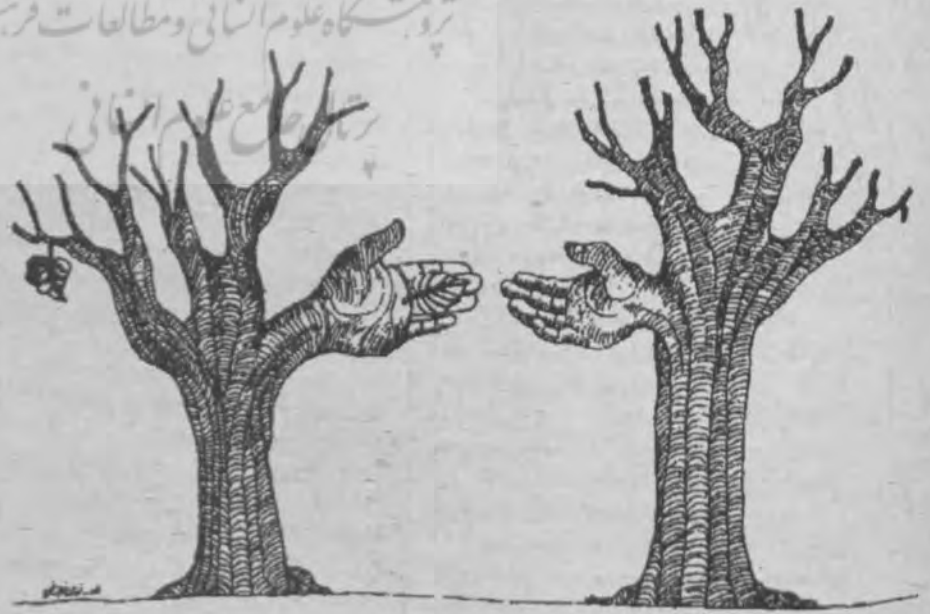
نسبتهایی به او بدهد. بلکه می‌گفت: شاید سخنران از طریقی به مطالب رسیده است و می‌پندارد آنها درست است.

۱۸. در دانشگاه‌های جهان کارهای تحقیقی مختلفی انجام می‌گیرد. دانشگاه «مگ گیل» کانادا را فردی به نام «کنفل اس‌میز» در ۵۰ سال پیش، تأسیس کرد ۴۸. وی کشیش بود و می‌خواست بین مسلمانان و مسیحیان گفتگو برقرار کند. عقیده زیادی به متن خوانی نداشت. بر آن بود تا روشن گردد، یک مسلمان از ایمان، کفر،... چه می‌فهمد، یک مسیحی از این‌واژه‌ها چه دریافتی دارد؟

«ایزوتسو» وقتی به مگ گیل رفته بود، علاقه‌ای به این بحث‌ها نداشت، می‌خواست روی متون کار کند و از این رو به تدریس کتاب این‌سینا پرداخت. اما «کنفل اس‌میز» او را واداشت که روزی چهار ساعت کلاس محاوره‌ای درباره ایمان، کفر، اسلام،... برگزار کند. کتابهای ایزوتسو (مفاهیم اخلاقی در قرآن و...) در این شرایط نوشته شد. وقتی من به آنجا رفتم، از آنجا که «کنفل اس‌میز» متقاعد شده بود روی متون کار شود، و علاقه «ایزوتسو» نیز کار بر روی متون بود، با او همکاری کردم، و شرح منظومه را به انگلیسی ترجمه کردیم.

۱۹. در مشهد من و چند نفر دیگر بر آن شدیم که شرح منظومه منطبق را نزد مرحوم «ایسی» فرا بگیریم. پس از آن که عده‌ای از رفتن ما در این درس باخیر شده بودند، برای خیرخواهی نزد من آمدند، و سفارش کردند که دست کم منطبق را پیش کسی بخوانم که رد منطبق را نیز بیاموزاند. این افراد گناهی نداشتند، زیرا فضای علمی در آن زمان چنین شکل گرفته بود. من به آنها گفتم: تاکنون مطلبی نخوانده‌ام که قابل رد باشد، و اهانت به کسی تلقی شود. این که علم یا تصور است یا تصدیق، «المفهوم ان امتع صدقه علی کثیرین فجزئی، و الافکلی» رند ندارد. تضادی با دین ندارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



۲۰. زمانی که من در مشهد طلبه بودم، پولی که ماهیانه از مدرسه نواب می گرفتیم ۲۰ تومان بود، ۳۰ تومان نیز پدرم برایم می فرستاد. زندگی سخت طلبه ها برایم درس آموز بود، کمتر غذاهای پختنی مصرف می کردم، به نان و پنیری می ساختم، و بقیه پولم را کتاب می خریدم. کتاب «مروج الذهب» (مسعودی)، «معجم الادبیه» (یاقوت حموی)، که اکنون دارم، از کتابهایی است که در آن زمان خریدم.

پی نوشت ها

۱. این هیشم بصری بدلی خاطر که فیزیک نور را کشف کرده بود تکبیر گردید مردم را در یکی از مساجد بغداد گرد آورده و گفتند این ملون با چاقو به جنگ اسلام آمده است - حال آنکه آنچه را آنان چاقوی پنداشتند عدسی چشم و شمع های نور در آن بود - و مردم عوام او را منت می کردند و مستحق افکندن در آتش می دانستند.

کتابهایی با عنوانهای «صون المنطق و الکلام، عن المنطق و الکلام» «تحریم النظر فی کتابهل الکلام» سامان گرفت، و راه دور مانن از علم منطق و کلام ارائه گردید.

ملا مهدی نراقی درباره وضع عالمان در زمان خود می گوید:

«هیچکس ترین مردم علمایند آنان در خانه هایشان به جز کاسه و کوزه چیزی دیگر ندارند».

و ملا هادی سبزواری اظهار می دارد: «هنا زمان محل الحکمة و قلّة نزول الامطار من سحاب الرحمة علین زمن، زمانی خشکالی حکمت است و کمی باران از ابرهای معرفت و علم».

«هر دم به غسق شیفته شده اند، با عشق به آن از معرفت رب الفلق، غافل گشته اند».

و اکنون نیز هزاران کتاب خطی و... در کتابخانه ها خاک می خورند در انتظار نوازش دست دانش پژوهان در کنج کتابخانه ها آر میند است.

۲. در این کتاب مسائل کشوری بیشتر نقاط ایران - از آنزیدجان تا سیستان و بلوچستان - آمده است، و کیفیت تقسیم محصول، زراعت و آبیاری استفاده از آب قنات و بزان و... بازگو شده است. روزی شاگردن این خاتم از او پرسیدند مسافت تهران تا ماژندترین چند کیلومتر است، او گفت: من با التومیل و یا لاغ و شتر که نرفتم، ۶ مرتبه پیاده این مسافت را رفتم و برگشتم، صعبه روز راه است.

۳. بعضی از این کتابها به فارسی برگردانده شده است.

۴. در این کتاب عکس انوار دیرلوان در میان لیرتیهها در حالی که دزد قلیان می کشد به چاپ رسیده است.

۵. این مؤسسه اخیرا کتاب منحصر به فردی را از کتابخانه استنفدیس رضوی گرفته است و به چاپ رسانده است. نام کتاب «مفرزانه بود لف - یا ابن فضلان» است.

۶. کتاب «شکوه شمس» خاتم شیمیل توسط آقای لاهوتی در مشهد ترجمه شده است.

۷. جرج سارتن آخرین کسی است که بر علوم اسلامی تسلط دارد کتاب «تاریخ علوم» وی - که ۵ - ۴ جلد است - به وسیله احمد آرام به فارسی برگردانده شده است.

۸. این کتاب ۹۸ صفحه ای، از بهترین کتابها در زمینه «جزء لایتنجا» است. بحث در این است که مسلمانان تا چه اندازه از مذهب «نتی مویبتوس» تأثیر پذیرفته اند در زمان «نتی مقواطیس» این تفکر مطرح بوده است. که چهل از جزء لایتنجری «جوهر فرد» ترکیب یافته است. حافظا می گوید:

بعد از ایم نبودشایه در جوهر فرد

که دهان تو بر این دگته خوش استدلالی است

۹. این ماجد کتابی به نام «ثلاثة رهانه جات» (سه راهنما) دارد که نشانی می دهد مسلمانان با علمای چون خورشید، ماه ستارگان و... راههای دریاپی را مشخص کرده اند.

۱۰. این کتاب درباره مکاتیب اسلامی - ابزار و آلات کتیبین آب، جز نقل... است و با تصاویر رنگی به چاپ رسیده است.

۱۱. حدود ۸۰ سال پیش «زکی ولید توخان» به مشهد آمده بود او می گوید: کتاب منحصر به فردی را از کتابخانه استنفدیس به نامت گرفتیم. کتابدار به من گفت: ۱۵۰ تومان بده، و کتاب را برای خود بپرداز. من از دست او شکایت کردم، و گفتم چرا به فردی مسئولیت داده اند که حاضر است برای ۱۵۰ تومان کتابی را که میلیونها تومان ارزش دارد به میگلگان بدهد.

۱۲. این مؤسسه ابتدا در قاهره بود سپس به کویت آمد و پس از ماجرای کویت به جای دیگر رفته است.

۱۳. در دانشگاه علیگره دانشمندی به نام هیمتی بخلایت داشت - که فوت کرد - مرحوم فروزان فر می گوید: من عربی او را از عربیت شیخ لاهور بسیار قوی تر دیدم.

۱۴. بر اساس کتابهای ابن سینا، رازی، «صیدله طبوریخان بیرونی و...»

۱۵. رئیس این مؤسسه دکتر «موصاف علی» است.

۱۶. مانند: دکتر حبیب خوجه، سلامی، شیخ یوسف قرضوی (که مقامش در میان عربها همچون مقام مطهری در میان ایرانیان است) شیخ محمدغزالی - که فوت کرد.

۱۷. مانند: عبدالعزیز توری، که استاد تاریخ دانشگاه بغداد بود.

۱۸. بهترین چاپ «وفیات الاعیان» (ابن خلکان) با

تصحیح دکتر احسان عباس است.

۱۹. در این زمینه همه انگلیسهای مربوط به مناس، که در کتابهای تاریخی اسلام بوده است - مانند منزه های حلب، دمشق، مصر و... - گردآوری شده است.

۲۰. همه آنچه با اقتصاد اسلامی رابطه دارد از منابع استخراج شده است. این که امام علی «ع» حضرت زهرا «ع» فلان خانه یا زمین را وقف کرد در آن آمده است.

بیمارستانهای وقتی در این کتاب ذکر شده است. به عنوان مثال: نقل شده است که فلان زن، که خاتم شاه بود فلان مقدار زمین برای بیمارستان وقف کرد، که در آن اسب های که در جنگ زخمی می شوند معالجه گردند.

من مقاله ای با عنوان «منابع وقف در اسلام» نوشتم، که در شماره آخر میراث جویندل چاپ شد. و در این مقاله از همین کتاب اقتصاد اسلامی استفاده کردم.

۲۱. تألیف دایرة المعارف از افتخارات ایران، آن هم در دوران جمهوری اسلامی است. و تاکنون سه دایرة المعارف در ایران پایه گذاری و به مرحله نشر رسیده است:

۱. دایرة المعارف تشیع - ۴ جلد آن چاپ شده است.

۲. دایرة المعارف جهان اسلام - ۸ جزوه ۲۰۰ صفحه ای آن از چاپ در آمده است.

۳. دایرة المعارف بزرگ اسلامی - ۷ جلد فارسی و ۲ جلد عربی از این دایرة المعارف چاپ گردیده است.

شایان یادآوری است که در کلهار زمینه دایرة المعارف نویسی موفق بوده اند و یک دایرة المعارف اسلامی در ۱۴ جلد نوشته اند. اما کشورهای عربی تنها دایرة المعارف اسلامی را که توسط مستشرقان اروپایی نوشته شده است (و به زبان المانی، انگلیسی و فرانسه است) - ۱۳ جلد آن از چاپ در آمده است - ترجمه کرده اند.

من دو سال پیش از این انجمن خواستم که از آقای بجنوردی دعوت کند. که اسباب افتخاری برای ایران شد زیرا ارن در زمان جنگ از عراق حمایت می کرد. و آنان می پنداشتند که جنگ علم و معرفت را از هم گسیخته است. وقتی دانشنامه جهان اسلام به آنان عرضه شد (به ویژه آن که ترجمه عربی نیز شده بود) آنان شگفت زده شدند و در حیرت ماندند.

۲۲. هم اکنون در دانشگاه کمبریج، کیفیت لباس پوشیدن دانشجویان در برابر استاد همانند ۵۰۰ سال پیش است، و همان سنتهای دیرین حفظ شده است.

۲۳. ظاهراً دانشگاه اروپایی به ایران منتقل گردیده یعنی میر حسدلی و...

۲۴. میر داماد از دانشمندان بزرگ فرهنگ اسلامی است. وقتی کتاب «قبسات» و «فلق العین» وی به هندوستان رسید، علمای آن جا به وحشت افتادند و نوشته اند: «میر داماد با شرمیات و سحریات خود جوانها و طلاب سرزمین ما را فریب داده است».



شرح قیسات به وسیله ناماد «میر ناماد» سید احمد علوی آماده چاپ گردید و بنده مقدمه‌ای بر آن نوشته‌ام، و گفته‌ام: یکی از بدبختی‌های مسلمانان در چند قرن اخیر این بوده است که میراث توانمند خودشان را به فراموشی سپرده‌اند. (سوال الله فأنساهم أنفسهم).

۲۵. این مقاله در چاپ جدید «قیسات» - قبلا چاپ سنگی بود - آمده است. فضل الرحمن ولایت‌نوسو در باره میر ناماد مقاله نوشته‌اند. مقاله فضل الرحمن در آمریکا به چاپ رسیده است.

۲۶. این مقدمه تحت عنوان «بنیاد حکمت سبزواری» به فارسی ترجمه و چاپ شده است.

۲۷. این کار خدمتی به عالم علم است، زیرا می‌توان از روی مواد و الفاظ حدیث به سادگی آن را یافت. به عنوان مثال: به راحتی می‌توان بی‌برد که حدیث «کادالفتقر ان یکون کفرا» از پیامبر نقل گردیده است یا نه.

۲۸. از وی و سواد دو کتاب دیگر نیز در این زمینه دارد: - مفاهیم دینی و اخلاقی در قرآن. - مفهوم ایمان در قرآن.

۲۹. نام این دانشجو «شجر و کاما» است. کتاب مذکور توسط بنده به انگلیسی ترجمه شده است. و در ترجمه ژاپنی استادانتهای این دانشجو بنده بوده‌ام.

۳۰. ماکس مایر هوف، طیبیهودی بود، و در قاهره می‌زیست. در چشم پزشکی اسلامی تخصص داشت. آنان که در زمینه چشم پزشکی اسلامی تحقیقاتی دارند از آثار ماکس مایر هوف استفاده کرده‌اند. وی در تاریخ علوم چهره شناخته شده‌ای دارد.

۳۱. «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم، یتلوا علیهم آیاته و ینزلهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه، وان کلتوا من قبل لقی ضلال مبین» (جمعه ۲۱)

۳۲. به خاطر وجود منابع است که «مکرم موت» به راهنمایی «فضل الرحمن» نزدیک‌ترین خود را «اندیشه‌های کلامی شیخ مفید» قرار می‌دهد. در کنگره شیخ مفید کتابی به جامعیت او وجود نداشت. این کتاب به فارسی و عربی نیز ترجمه شده است.

۳۳. مراکز علمی - تحقیقاتی جهان از ایجاد آریانا یاد دیگر مراکز استقبال می‌کنند.

۳۴. کافی است اسنان نمدانی کتاب برای این مراکز بغرستند، و در مقابل ده برابر و یا بیشتر از ارزش ملای آنها را کتاب دریافت دارد. در یکی از سفرها از من خواسته شد که بعضی از اشخاص را معرفی کنم. من ناپرسی از عالمان مشهور را بردم. برای ایشان دعوت نامه آمد و عسندوق کتاب مجانی برای ایشان فرستاده شد.

۳۵. زیرا از مراکز، اندیشمندان و کتابها با خبر می‌گردند. و دانشوران را به کنفرانسها دعوت می‌کنند تا اندیشه‌ها و یافته‌های خویش را با آن بگویند.

۳۶. بسی جای تأسف است که من نتوانستم کتاب

«تانشمنتری - محمد بن زکریای رازی» را در زادگاه او بنویسم. و به خاطر وجود منابع و ماخذ در تاشکامگ گیل، مجبور شدم راهی آنجا شوم.

اسنان یقین ندارد که کتابهایی که در ۱۵ سال اخیر در مصر چاپ شده است، در کتابخانه‌های میلاند، زیر اسیستم مناسب برای سفارش کتاب وجود ندارد.

۳۷. در مقایسه ایران، مشترکات و وجوه افتراقی آن را بررسی می‌شود. وسیعی بر آن است که این کار عاری از هر نوع تعصب انجام گیرد. اینکه چه چیزهایی در اسلام با مسیحیت یا آیین زرتشت شباهت دارد کدام یک در دیگری اثر گذاشته‌اند، ریشه‌های آنها یکی است یا هر کدام به ریشه‌های جداگانه بر می‌گردند.

۳۸. نظیر آنچه در مورد ایران گفته شد در اینبار مقایسه‌ای انجام می‌گیرد. به عنوان مثال شعر فارسی بیشتر تحت تأثیر ادبیات عرب بوده است و بیشتر مضمونهای خود را از آن گرفته است. نمونه زیر در این باره گوید:

لیکن از راه عقل جوشیاران بشناسند فریبی ز اهل فریبی جانکی از سلامت اسنل و امان دل بر بیماری اوست، که گاه اشتباه بودگیست.

این مضمون (امان) از ادبیات عرب گرفته شده است، مستقی می‌گوید:

انزلها نظرات منکر صافقه من تحسب الشحم فی من شحمه ورم و یا در مقامات حربی آمده است: «استمنت داورم» خیال کردی آدمی که ورم دارد چاقی است.

۳۹. سلمان از اهل بیت پیغمبر گردید باین که زایش یهلوی و از شهر استخر فارس بود.

قصه سلمان شنیدنی و قابل مصطفی کوز اهل بیت چون شد با زین یهلوی ۴۰. سخنرانی در سال ۱۳۷۶ ایراد شده است.

۴۱. به عنوان مثال: «خیام به وسیله «قیله زبالا» و مشهوری به وسیله «تیکلسون» به انگلیسی ترجمه شده است. آیا این کتابها در خانه‌ها و کتابخانه‌ها بالاستفاده می‌شود، یا در زندگی‌ها اثر گذاشته است؟

۴۲. ظفر اسحق گذشته از ریاست دانشگاه به نگارش کتاب و مقاله نیز می‌پرداخت.

۴۳. گویند مار گری به اصفهان آمده بود و مارهایی چند بر خوش انداخته بود. درویشی یافت شد و گفت: من مارها را رایقرآن رام می‌کنم. مار گری به او گفت که من هم به قرآن معتقدم، اما این دو مسأله جنست. درویش بر حرف خود پای فشر دو مار گری مردم را شاهد گرفت که اگر درویش جانش را از دست نهد او بی‌تقصیر است. ماری به طرف او انداخت. درویش ناخواست «ایه‌الکرسی» بخواند مار بر گردنش تیش زد و حمل جا افتاد و مرد. مار گری آرایش حاکم بردند. حاکم نیز او را معجزات نکرد تهنیتسوز تلامی مار هیش را بکشد.

۴۴. این کتاب با عنوان «تاریخ نجوم اسلامی» به وسیله احمد آرام ترجمه شده است.

۴۵. اگر می‌خواهید عقلتان صیقل یابد در درس من شرکت کنید، عروسهای ادب در آن جلوه‌گری می‌کنند. اشخاص فرولون به رسم می‌آیند، بعضی فلسفه و بعضی طب قلمی می‌گیرند... هر که خواهد گو یا و هر که خواهد گو پرو.

۴۶. میرزا جواد آقا نیرانی قلمتی کشیده و چهره‌ای رشید داشت. در کنگره امام رضا «چشم به پیر مردی بسیار خمیده و معمم افتاد خوب که نگاه کردم، دریافتم آیت‌الله میرزا جواد آقا نیرانی است.

۴۷. اکنون در تاشکامگاهی معتبر جهان، دکتری به کسی داده می‌شود که بر فضای کلی بحث مسلط باشد. آگاهی به کتاب خاص و مهارت در ترجمه و بر گرداندن ضمائر کفایت نمی‌کند.

از کارهایی که لازم است در حوزه انجام پذیرد دو بعدی کردن در سه است. آن که شرح منظومه با اسفار می‌خواند بجلست در باره جوامعی که این کتاب در آن فضا تألیف یافته است آگاهی بدست آورد. ملاحظه در اول اسفار می‌گوید: جای بسی تأسف است که در زمان من گفته‌های ناهلان و اراذل خریدار دارد و آن که نالان تر و احمق تر باشد محترم تر است.

۴۸. «کنفل اس میز» هنوز زنده است.

